

در اسلام، دولت را آمیون درست می‌کنند. دولت اسلامی، ظهور قدرت مردمی است و عمومی شدن قدرت حکومتی را نشان می‌دهد. قدرت دولتی در همهٔ ساحت‌های زندگی عمومی می‌شود. دولت و حکمرانی در نگاه اسلامی، عمومی شده است و همه مردم می‌توانند خود را سهام‌دار این حکمرانی تلقی کنند؛ لذا امر سیاسی لاجرم تدریجی خواهد بود. دولت اسلامی و دولت کارآمد، مثل تاج سلطنت است که همگان روی سر می‌گذارند و یکی از ویژگی‌های دولت کارآمد، عمومی شدن حس دولتی است.

دولتی تسری یابد و فلسفه دولت اسلامی تلقی شود. مردمی بودن مدیریت را نه تنها در مشارکت دادن مردم، بلکه باید در تعلق مدیریت به آن‌ها دانست. کارگزاران هم باید نقش خود را در رفع موانع و ارائه تسهیلات جست‌وجو کنند. در دولت اسلامی، مردم خودشان مسائل زندگی خود مانند اقتصاد، مسکن، اشتغال، فرهنگ و همه این‌ها را اداره می‌کنند. دولت وظیفه نظارت دارد و افق‌های جدید زندگی را می‌گشاید. دولت، سخنگوی توانمندی‌ها، مشکلات و فعالیت‌های جامعه است. اسلامی، جهادی، بسیجی و مردمی بودن از مشخصات اصلی نظام مدیریت انقلابی است که دولت مبارز و دولت مقاومت هم خواهد بود. مدیریت بسیجی و جهادی به معنی پرکاری، تدبیر، کار شبانه‌روزی و پیگیری امور است که به سبکبال، کم‌هزینه و کارآمد بودن دولت منجر می‌شود. رفتار عادلانه کارگزاران و رابطه محبت‌آمیز بین آن‌ها و مردم، از نشانه‌های مدیریت اسلامی است. دولت راه را برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باز می‌کند. کارآمدی دولت آن است که حفظ آبروی هویت ملی کند و پیام آن را به جامعهٔ جهانی به درستی برساند. دولت باید بتواند عزت ملی را با رعایت نزاکت سیاسی در عرصهٔ بین‌المللی به نمایش بگذارد و همکاری‌های مناسب با دیگر دولت‌ها داشته باشد. عمومی‌سازی کارهای دولتی باعث می‌شود که همه مردم خود را مسئول امنیت بدانند و اینکه خودشان اگر جنگی پیش آمد باید بجنگند. یک نامزد انتخابات ریاست جمهوری می‌گوید من سایه جنگ را برمی‌دارم یا امنیت را ایجاد می‌کنم. در صورتی که هیچ دولتی نمی‌تواند سایه جنگ را از سر یک ملت برطرف کند؛ بلکه ملت‌ها هستند که به جنگ می‌رسند یا جنگ را تمام می‌کنند. امنیت، امری درون‌زا است. امنیت وجود دارد و دولت، وجود امنیت را نشان می‌دهد. امنیت از درون جامعه نشئت می‌گیرد. امام خمینی در اوایل انقلاب که تحرکات منافقین زیاد شده بود، خطاب به مردم می‌فرماید که «همه شما عضو سازمان اطلاعات هستید». دیدگاه ثنوی، نقش دولت را به صورت واقعیتی جدا از مردم می‌بیند. بین دولت و مردم، دوگانگی وجود دارد و دولت، واقعیتی جدا از جامعه و مردم دارد که در یک بده‌بستان تجاری، تأمین امنیت می‌کند. در دیگر عرصه‌های خدمت‌رسانی دولتی همچون بینشی وجود دارد. اما در نگاه توحیدی، وجود شهر، مدینه و اجتماع سیاسی است که امنیت را تأمین کند. تأمین‌کنندهٔ اصلی امنیت، جامعه، فرهنگ، هویت و شخصیتی است که در جامعه وجود دارد.

با این تبیین دولت اسلامی باید گفت که هر چند انقلاب اسلامی با به صحنه آمدن توده‌های عوام جامعه شکل گرفت اما دولت اسلامی و کارآمد، هنوز در جامعه ما شکل نگرفته است. روی کار آمدن دولت موقت و سپردن